

اصفهان
۱۶-۲۱ مهر ۱۴۰۰
8-13 Oct. 2021
Isfahan.Iran

پروانه ها خیال ۲

ویژه نامه سی و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان
۱۷ مهرماه ۱۴۰۰



افتتاحیه پنجمین المپیاد
فیلم سازی نوجوانان ایران

بچه های نسل جدید باید
با سینما آشنا شوند
گفتگو با مونا فرجاد

افتتاحیه جشنواره
سی و چهارم با سخنرانی
شهردار اصفهان

سخنرانی شهردار اصفهان در مراسم افتتاحیه سی و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان



علی قاسم‌زاده، شهردار اصفهان، در مراسم افتتاحیه سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان حضور یافت.

شهردار اصفهان با ابراز خوشحالی از اینکه اولین حضور خود در میان شهروندان اصفهانی را در افتتاحیه این رویداد فرهنگی تجربه کرده است گفت: «بسیار خرسندم که نخستین حضورم در بین شهروندان در این اتفاق مهم فرهنگی و هنری رخ داد. اصفهان شهر زندگی است و امیدوارم در آینده نیز شرایط بهتری را در آن ایجاد کنیم. شهر اصفهان با همه ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی‌اش امانتی در دست ماست که باید آن را به آیندگان تحویل دهیم؛ چراکه حفظ امانت امری مهم است.» شهردار اصفهان در خصوص اهمیت برگزاری جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان بیان کرد:



جشنواره‌ای که ۳۴ سال استمرار و دوام داشته است، قابلیت تبدیل شدن به یک جریان مستمر از یک رخداد هفتگی و ایجاد دبیرخانه دائمی را در اصفهان دارد

«دبیرخانه دائمی جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان را در شهر اصفهان مستقر خواهیم کرد تا حیات جشنواره در طول سال فعال باشد و نتیجه آن را در یک هفته برگزاری جشنواره شاهد باشیم.»

«جشنواره‌ای که ۳۴ سال استمرار و دوام داشته است، قابلیت تبدیل شدن به یک جریان مستمر از یک رخداد هفتگی و ایجاد دبیرخانه دائمی را در اصفهان دارد.» شهردار اصفهان در پایان سخنان خود، درباره دبیرخانه دائمی جشنواره افزود:



سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان؛

جلوه‌های جدید از جشنواره‌های

سینمایی کودک و نوجوان



صبح به‌طور رسمی افتتاح می‌شود. این المپیاد نوظهور به ایستگاه پنجم رسید و من از این بابت خوشحالم. در این المپیاد، نوجوانان در بخش ایده و فیلم، دیدگاه‌ها و فعالیت‌های چشمگیری دارند و در کنار آن پیش‌کسوتان و هنرمندان در بخش آموزش، تجارب خود را در اختیار نوجوانان قرار می‌دهند. تابش در پایان اشاره‌ای به بخش ویژه معلولین، نابینایان و ناشنایان کرد و گفت: یکی از افتخارات ما در این دوره از جشنواره آن است که به گروه معلولان، نابینایان و ناشنایان نیز خدمات ارائه می‌شود. ممکن است این خدمات کافی نباشد، اما ادای دینی است به این گروه نخبه از جامعه تا از محصولات کودک و نوجوان استفاده کنند. امیدوارم در سال‌های آینده این بخش‌ها توسعه پیدا کند، چراکه دسترسی این گروه به آثار فرهنگی - هنری به‌ویژه سینمای کودک و نوجوان لازم است و ای‌کاش تمامی جشنواره‌های هنری این بخش را به‌طور ویژه در نظر داشتند.

مرکزی شهر اصفهان، سینما ساحل و سینما فلسطین میزبان مخاطبین جشنواره باشند.

دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان این جشنواره را جلوه‌ جدیدی از جشنواره‌های سینمایی کودک و نوجوانان دانست و افزود: عکس‌ها و تصاویری که امروزه سراسر کشور مخابره شد، جلوه‌ جدیدی از جشنواره‌های سینمایی کودک بود و این را می‌توان دستاورد این دوره از جشنواره دانست. جشنواره امسال موفق شد کودکان را از خانه بیرون بکشد و آن‌ها را با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به عرصه سینما بیاورد. این خود مشوقی است برای سینماگران و فیلم‌سازان. به نظر من، جشنواره امسال، بعد از یک وقفه طولانی، فضایی پرشور و نشاط را، چه برای کودکان و نوجوانان و چه برای خانواده‌ها و دست‌اندرکاران جشنواره، در اولین روز خود رقم زد.

وی درباره پنجمین المپیاد فیلم‌سازی کودک و نوجوان خاطرنشان کرد: پنجمین المپیاد فیلم‌سازی از فردا

علیرضا تابش، دبیر سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان درباره افتتاحیه این جشنواره گفت: برگزاری جشنواره در شرایط همه‌گیری کرونا بسیار سخت و طاقت‌فرساست و البته در سراسر دنیا به‌نوعی همین وضعیت حاکم است. ما در سال گذشته و امسال، تمام تلاش خود را کردیم که جشنواره را با در نظر گرفتن واقعیت کرونا و موارد بهداشتی آن برگزار کنیم. بخش آنلاین جشنواره از پارسال به جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودک و نوجوان اضافه شد و حال یکی از مهم‌ترین بخش‌های جشنواره به شمار می‌رود.

او درباره برگزاری این جشنواره در شهر اصفهان اظهار داشت: در شهری مانند اصفهان به‌دلیل سابقه طولانی برگزاری جشنواره و همچنین به‌دلیل وجود مخاطبین بیشتر، برنامه‌ریزی سختی پیش رو داشتیم تا مخاطبین با رعایت پروتکل‌های بهداشتی به دیدن آثار بیایند. امسال تلاش کردیم در بخش



علیرضا تابش

عصر جمعه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۰ افتتاحیه سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوان در سالن همایش‌های بین‌المللی استان اصفهان، با حضور دبیر جشنواره، رئیس اداره ارشاد اسلامی، شهردار، اعضای شورای شهر و ستاد اجرایی جشنواره، به‌همراه جمع کثیری از کودکان و نوجوانان اصفهانی برگزار شد.

زاون هستم!

همیشه درباره سینما چیزی برای نوشتن داشت یا حرفی برای گفتن، یا نکته‌ای که او را به سینما وصل می‌کرد. هرگز به یاد ندارم، در گفت‌وگوهای دوستانه و خودمانی، حرف را به سمت آدم‌های دیگر نبرد و سراغی از کسی نگیرد؛ حتی اگر آن فرد، زاون را دوست نداشت. شاید بسیاری از آدم‌هایی که آن زمان، زاون را دوست نداشتند، هرگز ندانند که همین آدم دوست نداشتنی‌شان، تسهیل‌گر فعالیتشان در عرصه فرهنگ در این شهر بود. این مسئله هرگز برای زاون مهم نبود، چون اصولش چیز دیگری بود.



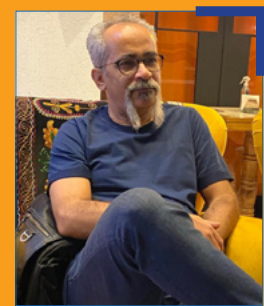
آدم‌های دیگر نبرد و سراغی از کسی نگیرد؛ حتی اگر آن فرد، زاون را دوست نداشت. شاید بسیاری از آدم‌هایی که آن زمان، زاون را دوست نداشتند، هرگز ندانند که همین آدم دوست نداشتنی‌شان، تسهیل‌گر فعالیتشان در عرصه فرهنگ در این شهر بود. این مسئله هرگز برای زاون مهم نبود، چون اصولش چیز دیگری بود. گاهی آن قدر از دغدغه‌هایش درباره دیگران آشفته می‌شدم که غرمی زدم: «زاون پس خودت چی؟!». زاون تنها لبخند می‌زد. حالا درک درست‌تری نسبت به آن لبخندهای زاون درباره کزفتاری برخی دارم. حالا می‌فهمم که زاون، چیزی را می‌دید که من از درک آن عاجز بودم. زاون شاید می‌توانست فیلم‌های بیشتری بسازد، کتاب‌های بیشتری در باب فرهنگ و سینما منتشر کند، بانی جشنواره‌های بیشتری باشد، به آدم‌های بیشتری چیزی بیاموزد. آدم مهمی در سینمای ایران بود، لیک می‌توانست آدم مهم‌تری باشد؛ اما او کسی فراتر از این شد که می‌توانست. آدمی شد که عاقبتش به خیر شد. زاون مهر را می‌آموخت. آن کسی شد که در آیین و سلوکش، به مهرورزی توصیه شده بود: «انسان‌ها را دوست داشته باش و به آنان عشق بورز و مهر را جاری کن.» زاون، عاشق انسان بود و وسعت مهرش همه را سیراب می‌کرد.

زاون در این سال‌ها، شاید کمتر جاری بود؛ اما زاون، بی‌حضور هم جاری ماند. اکنون زاون در بلندترین جایگاه یک انسان، تنها درباره خویش یک کلام را بر زبان دارد: من زاون هستم!

ارتباط من و زاون برای ساخت سیزده فیلم مستند درباره صنعت برق شدند و این سرآغاز همکاری رسمی من با زاون درباره گفت‌وگوی عملی درباره سینما بود.

زاون هر چیزی را بهانه‌ای می‌کرد برای دوره‌های آبی‌های اهل هنر. آن چیز می‌توانست کانون فیلمی باشد در زیرزمین حوزه هنری در خیابان آمادگاه اصفهان برای نمایش هفتگی فیلم یا دفتری در کنار دفتر مدیر وقت ارشاد برای برگزاری هفته‌های فیلم یا جشنواره‌هایی با مضمون ادبی، یا تئاتر یا فیلم یا هر چیزی که ربطی به فرهنگ داشت. دعوت از افرادی از تهران که حرفی برای گفتن یا چیزی برای عرضه به نسل جوان داشتند. آموزش و پیش‌از آن، علاقه‌مند کردن جوانان و نسل نو به سینما در آموزشکده‌ها و انجمن‌های سینمای جوان و بعدتر، دانشگاه‌های سوره، فرهنگ، هنر، سپهر و هرجایی که می‌توانست بهانه‌اش را عملی کند. زاون بهانه‌گیر بود؛ زندگی برایش چیزی جز این بهانه نبود و این بهانه، سینما بود. همیشه درباره سینما چیزی برای نوشتن داشت یا حرفی برای گفتن، یا نکته‌ای که او را به سینما وصل می‌کرد. هرگز به یاد ندارم، در گفت‌وگوهای دوستانه و خودمانی، حرف را به سمت

زاون فوکاسیان برای اهالی سینما نامی شناخته شده بود. پیش‌ترها مسئول سینمای آزاد اصفهان بود. کتابی درباره چشمه «آربی آوانسیان» منتشر کرده بود و در دهه شصت خورشیدی، کتابی جامع‌تر درباره یکی از فیلم‌سازان به اصطلاح موج نوی پیش از انقلاب، مسعود کیمیایی! همین دو کتاب مرا وادار به این آشنایی کرد. زاون عاشق سینما و عاشق فرهنگ بود و به تبع آن، علاقه‌مند به جوانانی که به سینما اهمیت می‌دادند یا دروادی فرهنگ فعالیت می‌کردند. یکی دو سال بعد، در اوج فعالیت من در ساخت فیلم‌های تجربی و جویز و تشویق‌هایی که بابت ساخت همین فیلم‌ها در جشنواره‌ها و فستیوال‌های مختلف به دست آورده بودم، مرا به محل کارش دعوت کرد؛ نیروگاه منتظری اصفهان! دفتر زاون در این نیروگاه، جایی بود متفاوت از آنچه از دفتر یک فارغ‌التحصیل شیمی و مهندس صنعت در ذهن متصور بودم؛ اتاقی پر از گلدان، عکس‌ها و پوستریهای سینمایی و هنری بر در و دیوارش. یک دستگاه تلویزیون چهارده اینچ، یک دستگاه ضبط صوت، دو ویدئو، یک دوربین m3000 و تعدادی نوار VHS و نوار کاست، وسیله



مجتبی وطن خواهان

تابستان ۱۳۷۱ خورشیدی، کنار زاینده رود مکان قرارمان شد. ایستاده، چشم به راه آمدن مردی شدم که با هیكلی فریه، کلاه حصیری بر سر و کیفی پر دوش، عرق ریزان و نفس زنان به سمت من می‌آمد. در معرفی خودش گفت: «زاون هستم!» و مرا رها کرد از تلفظ سخت و ثقیل فامیلش که در دهانم نمی‌چرخید؛ فوکاسیان!

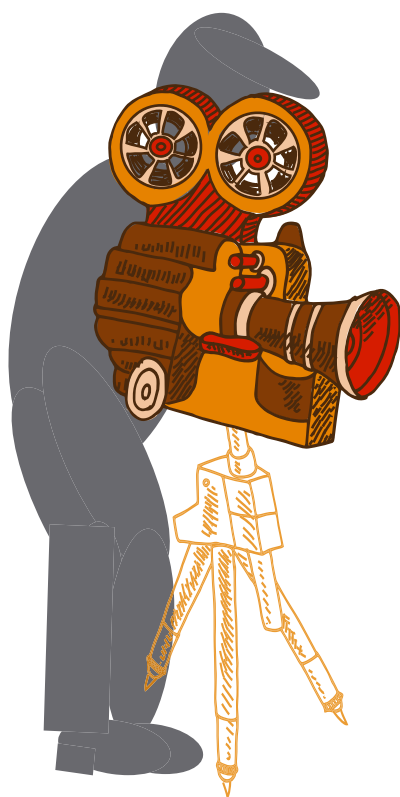




افتتاحیه پنجمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران



مراسم افتتاحیه پنجمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران، صبح امروز ۱۷ مهرماه در ساختمان شماره ۳ بنیاد سینمایی فارابی با حضور حبیب ایل بیگی (مدیر المپیاد)، و سهیلا عسگری (مدیر اجرایی المپیاد)، علی تابش (دبیر جشنواره)، منتورها و مربیان المپیاد و اعضای شورای برنامه ریزی و سیاست گذاری برگزار شد.



نوجوانان منتقل خواهند کرد. در راستای برگزاری المپیاد، کلاس بندی ها و منتورها هر گروه مشخص شده اند و کارگاه های المپیاد بعد از افتتاحیه آغاز به کار خواهند کرد. الهام آقاری، مونا شاهی، شهلا پورآرین، سید وحید حسینی نامی، اشکان چاوشی، عماد سلمانیان، نواب محمودی و محمد مهدی برزکی مربیان کارگاه های آموزشی پنجمین المپیاد نوجوانان ایران در بخش مسابقه هستند. لیلیا میرهادی، نادره ترکمانی، مرجان اشرفی زاده، فرهاد توحیدی، حسین قناعت، اشکان رهگذر، امیر فیضی و بابک نکویی نیز به عنوان منتورهای اصلی المپیاد معرفی شدند.

امسال مدیر و اعضای سیاست گذاری المپیاد تصمیم گرفتند تا تمامی نوجوانانی که برای این دوره اثری فرستاده اند، در این رویداد مشارکت کنند و حتی افرادی که آثارشان پذیرفته نشده هم توسط مربیان دیگری جدا از منتورهای المپیاد آموزش ببینند. در این خصوص پرستو کاردگر، امین قشقاییان، تیام یابنده، مهدی رضایی، فرزاد اشتری، مهدی کیخایی، حسین قسامی برای شرکت کنندگانی که آثارشان در بخش مسابقه المپیاد قرار ندارد، کارگاه هایی آموزشی خارج از مسابقه برگزار خواهند کرد.

گفتنی است پنجمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران هم زمان با سی و چهارمین جشنواره بین المللی فیلم های کودکان و نوجوانان برگزار می شود و آیین پایانی آن روز ۲۱ مهرماه خواهد بود.

المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران با هدف توجه به سینمای کودک و نوجوان و توسعه و ارتقای آن برگزار می شود. دوره های اول و دوم این المپیاد تنها مختص نوجوانانی بود که فیلم ساخته بودند، اما از دوره سوم، علاوه بر بخش «فیلم»، بخش «ایده» هم افزوده شد تا درباره موضوعاتی چون کار گروهی و پرورش ایده خوب برای فیلم سازی نیز صحبت و تبادل نظر شود. امسال در پنجمین المپیاد فیلم سازی نوجوانان ایران، ۳۷ اثر در بخش «ایده» و ۲۴ اثر در بخش «فیلم» انتخاب شد. نیمی از راه یافتگان، اعضای نوجوان کانون در سراسر کشورند و در این میان استان اصفهان بیشترین برگزیدگان را به خود اختصاص داده است.

پوران درخشنده (تهیه کننده، نویسنده و کارگردان)، وحید گلستان (تهیه کننده و کارگردان) و عضو شورای برنامه ریزی محتوایی المپیاد) و بیژن میرباقری (کارگردان) به عنوان اعضای هیئت داوران، آثار جشنواره را در دو بخش ایده و فیلم داوری خواهند کرد. پوران درخشنده در سومین دوره المپیاد و وحید گلستان و بیژن میرباقری در چهارمین دوره المپیاد به عنوان منتورهای المپیاد حضور داشتند و در این دوره، داوری آثار را برعهده دارند.

از دیگر برنامه های این المپیاد، برنامه نشست انتقال تجربه با فیلم سازان خواهد بود. این نشست ها از تاریخ ۱۷ تا ۱۹ مهرماه برگزار می شود. بهروز شعبی، حبیب احمدزاده و پوران درخشنده، طی سه روز، تجرب خود را به



مینا حسن زاده

ماجراجویی نوجوانان در قلعه تاریخی مورچه خورت

یادداشتی بر فیلم «راز قلعه» به کارگردانی کریم رناسیان



امیررجایی / منتقد

این دو فیلم سرمایه‌گذاری شد. او در ادامه گفت: «آقای رناسیان سعی در انتخاب استانداردها داشته و کل گروه نیز در روند کاری خود بسیار همدل و فعال عمل کرده‌اند. خوشحالیم که اولین تجربه سرمایه‌گذاری شهرداری در این زمینه مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفته است. ما تلاش می‌کنیم به‌عنوان یک حمایت‌کننده ارگانی سرمایه‌گذاری‌های درستی انجام دهیم؛ ولی درعین حال سعی می‌کنیم تا کارگردان بتواند با فروش فیلم خود به بازگشت سرمایه کمک کند و شهرداری به‌عنوان سرمایه‌گذار از منافع مالی آن منتفع شود. با بازگشت سرمایه می‌توانیم به این چرخه و حمایت از روند حرفه‌ای تولید کمک کنیم.»

فیلم از عوامل سینمایی حرفه‌ای بهره برده و بازیگرانی از تهران، از جمله امیر غفارمنش و محمد فیلی نیز با آن همکاری داشته‌اند. در نهایت به نظر می‌رسد اگر کارگردان بتواند در تدوین فیلم بازنگری کند، در پخش سیما نیز می‌تواند موفقیت کسب کند.

اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان ساخته شده و مجری طرح آن دفتر تخصصی سینما به مدیریت مصطفی حیدری رامشه بوده است. شورای سیاست‌گذاری این دفتر طی یکی دو سال اخیر و به دلیل بحث شیوع کرونا سعی داشته از افراد فعال و خلاق در زمینه سینما و به‌خصوص حوزه سینمای کودک و نوجوان حمایت کند. در همین خصوص مصطفی حیدری اظهار داشت: «این دفتر حمایت و سرمایه‌گذاری از فیلم «راز قلعه» و پویانمایی (انیمیشن) «داستان یک تولد» به کارگردانی خانم گیتا مهذب‌نیا را نیز بر عهده داشت. خوشبختانه فیلم راز قلعه به جشنواره امسال راه یافت و پویانمایی داستان یک تولد نیز هم‌اکنون در حال ساخت است و امیدواریم جشنواره سال بعد، میزبان این فیلم باشد.»

حیدری در زمینه چگونگی سازوکار انجام طرح افزود: «ابتدا فراخوانی عمومی در اصفهان اعلام شد و از میان ۱۸۵ فیلم‌نامه‌ای که به این مرکز رسید، ۲۲ فیلم‌نامه انتخاب گردید و در انتخاب نهایی، از میان آن‌ها بر روی

شامگاه جمعه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۰، فیلم «راز قلعه» در بخش سانس فوق‌العاده سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، در سالن نقش جهان سینما ساحل اصفهان به روی پرده رفت. «کریم رناسیان» کارگردان و تهیه‌کننده این فیلم است و دفتر سینمایی شهرداری اصفهان نیز به‌عنوان سرمایه‌گذار در تهیه این فیلم مشارکت داشته است.

فیلم راز قلعه که بیشتر عوامل آن از شهر اصفهان هستند، از موضوعی جذاب برخوردار است. جای خوشحالی است که پس از مدت‌ها، صدای تشویق و خنده‌های کودکان و نوجوانان با دیدن این فیلم در سالن سینما به گوش می‌رسد، هرچند کارگردان می‌توانست با ایجاد ریتم سریع‌تر، بزرگسالان را نیز تا پایان در پای فیلم نگه دارد. به هر حال، راز قلعه با برخی شوخی‌ها و اتفاقاتش، دست‌کم برای کودکان جذابیت دارد؛ اما می‌توانست با پرداخت امروزی‌تر با محصولات خارجی نیز شانه‌شانه رقابت کند.

کریم رناسیان درباره حضور فیلمش در جشنواره گفت: «من بچه این خاک هستم و از قدیم و حتی قبل از شروع جشنواره اصفهان، یکی از دغدغه‌های من فیلم‌سازی در این زمینه و شرکت در جشنواره‌های فیلم بود. این جشنواره را بسیار دوست دارم، اما امسال به دلیل شیوع ویروس کرونا، شور و اشتیاق کمتری نسبت به سال‌های قبل دارد و بسیار مهجور واقع شده است.» وی در ادامه درباره تأثیرگذاری این جشنواره بر سینمای کودک و نوجوان گفت: «این جشنواره می‌تواند به آینده سینمای کودکان و نوجوانان کمک کند، ولی کافی نیست. آثار در جشنواره به نمایش گذاشته و دیده می‌شوند؛ اما بعد از اتمام جشنواره، تهیه‌کننده‌ها و عوامل فیلم می‌مانند. بخش اعظمی از آینده سینمای کودکان و نوجوانان به روزهای بعد از این جشنواره و فیلم‌های آن برمی‌گردد.»

رناسیان درباره سینمای کودک و نوجوان دهه شصت اظهار داشت: «در دهه شصت، سینما رونق بسیاری داشت؛ اما در سه دهه اخیر شرایط روزبه‌روز افت پیدا کرده است و سینماهای امروز ما با فیلم‌های کودک و نوجوان پر نمی‌شود. در دهه شصت فیلم‌های گیشه هم گاهی به جشنواره‌های خارجی راه می‌یافتند. در آن زمان، این فیلم‌ها بازگشت مالی خوبی داشتند و این امر موجب ترغیب کارگردانان و تهیه‌کنندگان برای ساخت فیلم‌های بعدی خود در حوزه سینمای کودک و نوجوان می‌شد؛ اما امروز از این سینما، حمایت زیادی صورت نمی‌گیرد و تهیه‌کنندگان و کارگردانان انگیزه‌ای برای ادامه دادن این راه ندارند.»

این فیلم با حمایت و سرمایه‌گذاری سازمان فرهنگی،



نقد و بررسی فیلم «اشکنه» ساخته وحید پاکزاد



محمد بزرگ / منتقد

وحید پاکزاد،
(تهیه کننده و کارگردان)
حکیمه ایزدی
(نویسنده)
نازنین جلالی فر
(دستیار اول کارگردان)
علی اسماعیل
(دستیار دوم)
صادق داوری
(مدیرتصویربرداری)
مجتبی حبیب‌اللهی

(مدیر صدابرداری)، مهدی دهقان (تدوین) و زهرا فدایی، منصور گماری، زینب کنجکاو، سجاد رضایی، محمد رنجکش، هستی حیدریان و پوریا رستمی (بازیگران) از جمله عوامل فیلم «اشکنه» به شمار می‌آیند.

آنچه پیش از هر چیز جلب نظر می‌کند این است که همچنان ضعف فیلم‌نامه در سینمای ایران و همین‌طور نبود شناخت ملزومات و مفروضات یک اثر سینمایی در میان کارگردانان جوان قابل تأمل و تحلیل است. سؤال مهمی مطرح است و آن اینکه چه اثری واجد پخش در سینماست و چرا باید آن را از یک اثر تلویزیونی متمایز کرد؟ برای پاسخ به این سؤال باید به سراغ آثاری رفت که از جمله منابع هنری شمرده می‌شوند. بی‌تردید مرور تاریخ سینما و آثار ارزشمند آن کمک شایانی به درک بهتر فیلم‌سازان جوان خواهد کرد. با این معیار می‌توان عیار آثار جشنواره کودک امسال را سنجید.

فیلم اشکنه به لحاظ قصه‌گویی قابل‌نقد است و مسئله اصلی در این زمینه تعابیری خام‌دستانه و دم‌دستی برای داستان‌گویی است، بدون اینکه مخاطب را به فیلم و اتفاقات فیلم گره بزند. از همان ابتدای داستان که دو کودک حالتی شرورانه‌ای به خود می‌گیرند تا با دو کودک دیگر که به‌عنوان دانش‌آموز وارد شهر می‌شوند، روبه‌رو شوند، شاهد پرداختی نازل و بدون شخصیت‌پردازی هستیم؛ به طوری که دست‌کم می‌توانستیم نمونه‌های بیشتری از شیطنت‌های آن دو را ببینیم تا در لحظه‌ای که تصمیم به اذیت کردن دو دانش‌آموز شهری می‌گیرند، منطق آن برایمان جا افتاده باشد. البته حفره‌های فیلم‌نامه به اینجا خلاصه نمی‌شود. پایان‌بندی داستان که گویی جان‌مایه اصلی آن از نظر کارگردان معرفی غذاهای ایرانی است، در تعارض با قسمت اول داستان است که به متواری



و درست‌و‌درمان به لهجه اصفهانی است. «قصه‌های مجید» پوراحمد اثری است که می‌تواند میزان و ترازویی برای آشکارسازی این ادعا باشد، همچنان‌که مخدوش شدن این لهجه، آن‌هم به‌دست فیلم‌سازان اصفهانی، که به صورتی اغراق‌آمیز کش‌وقوس آن را زیاد و کم می‌کنند، قابل‌بحث است.

انتظار می‌رود فیلم‌سازان موضوعاتی را به کار بگیرند که علاوه بر سنجاق کردن مخاطبان به خود، اثرگذاری، ماندگاری و اعتباربخشی در سینمای ایران به همراه داشته باشند. در آخر، مسئله «خودکم‌پنداری» به‌خصوص در بخش روستاها موضوعی است که باید مطرح کرد و برای حل آن چاره اندیشید. در فیلم، زنی دوربین پیشرفته‌ای در دست دارد و همان زن در پایان فیلم از کودکی که لازانیا در دست دارد سؤال می‌کند نام این غذا چیست؟ آیا در این حد باید خود را کم دید، در صورتی‌که امروزه باوجود تکنولوژی و اینترنت مرزی بین روستا و شهر وجود ندارد. بازنمایی ضعیف و خام‌دستانه از روستا، در کنار ضعف در تمهیدات وابسته به متن، اثر را به‌لحاظ هنری اخته می‌کند تا به شکلی مرعوب‌شده و با زبانی الکن، با فیلمی درباره انواع غذاهای ایرانی روبه‌رو باشیم.

شدن کودکان می‌پردازد؛ به همین دلیل همچنان مخاطب با نوعی بلا تکلیفی در داستان مواجه است، که با دیالوگ‌های بسیار لوکال (local) شأن آن را درنیافته است. گفته می‌شود که اشکنه فیلمی برای کودکان است، اما نباید از این نکته غافل بود که کودکان امروز محصولات مارول، دیزنی و... را می‌بینند و درک مناسبی از قصه دارند؛ از این جهت کارگردانان نباید سطح درک آنان را پایین‌پندارند، بلکه باید بدانند که کودکان امروز حتی سخت می‌خندند. در سالن سینما در اواخر فیلم، می‌شد کودکانی را دید که با هم بازی می‌کردند و به نوعی فیلم را رها کرده بودند.

نکته دیگر وجود سجاد رضایی است. او که با بداهه‌گویی در کلیبی شناخته شده بود، در اینجا نیز همچنان نمک چهره و شیرینی لهجه را دارد، اما ابتدا نتوانسته حتی در حد همان کلیپ موجبات خنداندن مخاطبان را مهیا کند. علتش چیست؟ مسلماً به‌غیراز متنی با حفره‌های زیاد نباید دنبال علت دیگری بود. افزون بر این، ضعف در این بخش باعث تنزل آثار نزد سلیقه و ذائقه مخاطبان می‌شود. نکته دیگری که کماکان در آثاری با حال و هوای بومی دیده می‌شود، عدم اشارات ملیحانه



انتظار می‌رود
فیلم‌سازان
موضوعاتی را به
کار بگیرند که
علاوه بر سنجاق
کردن مخاطبان به
خود، اثرگذاری،
ماندگاری و
اعتباربخشی در
سینمای ایران
به همراه داشته
باشند

کودکان در جشنواره‌سی و چهارم: سوار بر بال‌های پرنده خیال

نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود تا دو پایش را روی آن می‌گذارد و با صدای ترانه و آوای برهم خوردن دست‌های جمعیت بر روی صحنه می‌آید. موزیک در حال پخش به هیجان فرود فضا نورد می‌افزاید. او روی سن کلاهش را برمی‌دارد و این را می‌توان از پشت پرده فشفشه‌ها دید. فضا نورد شروع به حرف زدن می‌کند. بله! همان طور که خودش می‌گوید لباسش عجیب و غریب، اما جذاب است و زیبا! درست مانند دنیای زیبای کودکان؛ دنیایی پر از خیالات که راه ورود غم و غصه ورود به آن بسته است. هیجان و اشتیاق را در چشمان زیبا و شاد کودکان حاضر در سالن می‌شود دید. شادند. طبیعی است؛ هر چه باشد، جشنواره‌ای فراتر از مرزها برای آن‌ها آغاز می‌شود. ده، نه، هشت، هفت، شش، پنج، چهار، سه، دو، یک و... سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان شروع می‌شود: فرصتی برای کودکان! جشنی برای بچه‌ها!

خواندن می‌کند. صدایش گوش را می‌نوازد. با سن کمش در تلاش است که کلام زیبای خالقش را بخواند. سرود زیبا و پرافتخار کشورمان پخش می‌شود. نمایشگر نصب شده در سالن، کودکان و نوجوانان و جوانانی را نشان می‌دهد که به احترام کشورشان ایستاده و به رسم ادب دست بر روی سینه گذاشته‌اند و سرود را زمزمه می‌کنند. دختر بچه‌ای که تا کنون بر روی صحنه به انتظار ایستاده بود با لحن دلنشین و کودکانه‌اش شروع می‌کند به خواندن. متنش که تمام می‌شود، آن را بر قلبش می‌فشارد و با قدم‌هایی محکم و کوچک از روی سن پایین می‌رود. هنوز از روی سن پایین نرفته است که فیلم در حال پخش از آل‌سی‌دی نظر کودکان و نوجوانان و حضار را به خود جلب می‌کند. نمایشگر سالن نشان می‌دهد که یک سفینه فضایی روی سقف سالن اجلاس فرود می‌آید و سقف را می‌شکافت. سپس، در سالن، فضا نورد هر لحظه از سقف به زمین

عصر جمعه است.
ون‌های خبرنگاران
نوجوان روبه‌روی
سالن اجلاس
می‌ایستند و مسافران
آن پیاده می‌شوند.
نوجوانان، پُر از شادی
و نشاط و انرژی، با
فرم‌های یک‌شکل
وارد سالن برگزاری
مراسم افتتاحیه



حوریه کفعمی

سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان
و نوجوانان می‌شوند.

فرش قرمزی تا در ورودی پهن شده است. تصویر کودکانی با شکل و شمایل مختلف در مسیر قرار گرفته است: کودکانی با لباس‌های محلی، ماسک بر چهره و کودکی که روی ویلچر نشسته است. همه با هم متفاوت‌اند، اما یک وجه اشتراک دارند، شباهتی که به وضوح دیده می‌شود: لبخندشان! لبخند بر لب برای میهمانان دست تکان می‌دهند. این پوسترها انگار نماینده تمامی کودکان ایران زمین‌اند که به میهمانان جشنواره سی و چهارم خوشامد می‌گویند.

وارد سالن که می‌شوی، کودکان همه‌جا دیده می‌شوند، با دندان‌های یکی در میان و بادکنک‌هایی در دستانشان که بالا و پایین می‌رود! همه‌جا هستند و این یعنی در همه‌جای سالن، کودکانی شاد با روحیه‌ای لطیف، درست مانند پروانه‌هایی سرزنده و زیبا که در حال پروازند.

پسرک با صدای زیبا و لحن
دلنشین شروع
به قرآن



پیلۀ غم پاره شد و پروانه شوق آزاد

خیال و در پروازی به سوی عشق و فداکاری، هر چیزی ممکن است. اما این دردی نیست، چراکه «پروانه‌ها از آتش نمی‌ترسند». در افتتاحیه جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان، از قهرمان و جوانمردی یاد شد که بی‌تردید خیال‌ها و آرزوهای داشت، مانند تمامی نوجوانان. علی لندی، نوجوانی که شجاعانه و همچون پروانه‌ای، با وجودی سرشار از عشق، به سوی آتش پرواز کرد. پروانه‌ای که از آتش نترسید و از همین روی در آتش عشق و مهربانی سوخت.

از آن‌ها اموری بدیهی است، رنگ عمل به خود بگیرد. در نهایت، سؤالی که شاید پیش‌تر از این پرسیده نشده باشد این است که جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان همیشه جشنواره پرواز پروانه‌ها بوده و خواهد ماند، اما پرواز به سوی کجا؟ آیا این پرواز به دنیایی دگر ختم می‌شود؟ به سرزمین خیال؟ اگر این‌طور باشد، به همین سادگی؟ اگر مانعی باشد چطور؟ اگر آتشی گریبانگیر پروانه‌ها شود چطور؟ در سفری به سوی

نوجوانان که از خواسته‌هایشان سخن بگویند. اتفاق خوب دیگری که امروز شاهد آن بودیم قسمتی از برنامه افتتاحیه بود که کودکان و نوجوانان، در حضور علی قاسم‌زاده، شهردار اصفهان، از آرزوهای خود برای آینده شهرشان گفتند. نسلی که در آینده شاید یکی از آن‌ها خود شهردار اصفهان باشد، چه خواسته‌ها و برنامه‌هایی برای شهرشان دارند؟ امنیت، آرامش، شهری زیست‌پذیرتر و شهری برای زندگی و آینده بهتر. به امید اینکه این برنامه‌ها و آرزوها، که البته بسیاری



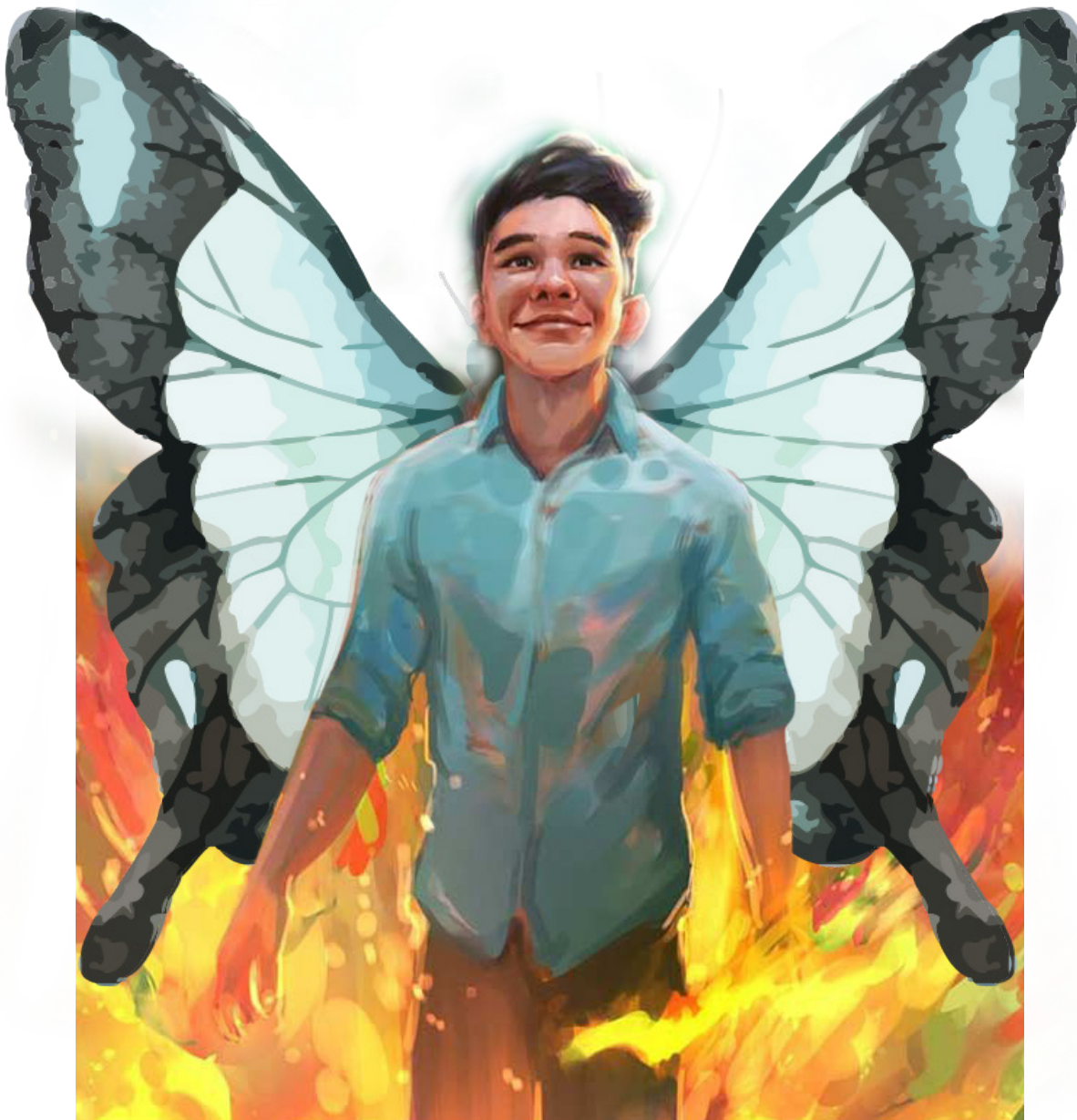
آفرین عدیلی

یک سال خاموشی، یک سال خفقان و یک سال حبس شوق در پیله‌های غم، امشب به پایان رسید. شبی که پیله پاره می‌شود و پروانه شوق آزاد. افتتاحیه سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان در سالن بین‌المللی اجلاس سران اصفهان برگزار شد.

موسیقی که فضا را آهنگین می‌کند و جمعیتی که با کنجکاو در انتظار آغاز افتتاحیه جشنواره‌اند فضایی شورانگیز ساخته است؛ آغاز سفری به فضا و به خیالات کودکان و نوجوانانی که شاید بسیاری از آن‌ها در هیاهوی روزگار، خیال‌پردازی را از یاد برده باشند. در هیاهوی ویروسی که جان می‌گیرد، دل می‌سوزاند و در نهایت دست ۵۱ هزار کودک را از گرمای وجود والدینشان برای همیشه محروم می‌کند.

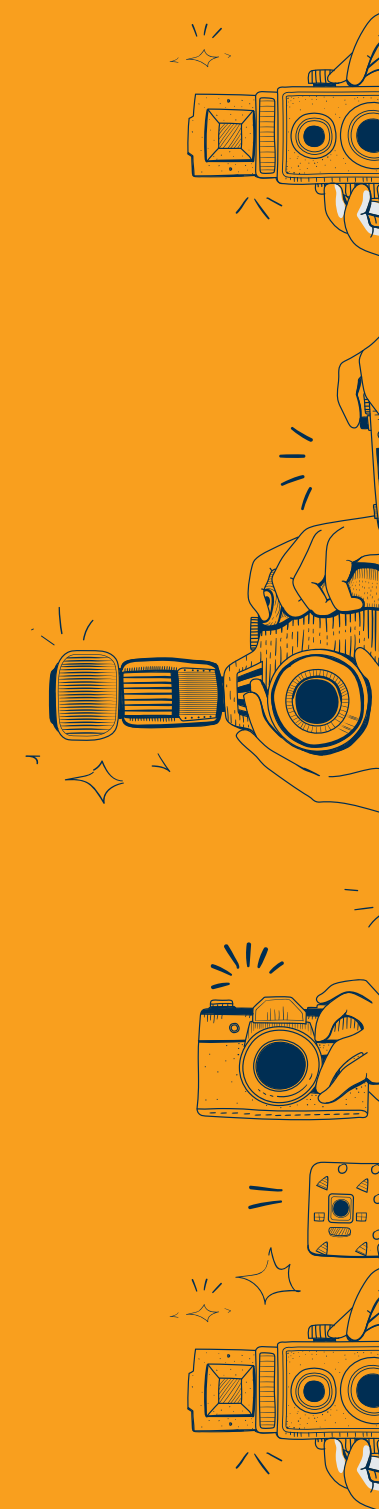
آغاز سی‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان شاید التیامی باشد بر قلب‌های کوچک آن‌ها؛ رویدادی که این «احساس» را با تمامی اقشار جامعه سهیم می‌شود تحفه عشق را به جای می‌گذارد. جشنواره کودک امسال برای تحقق شعار «سینما، سرزمین خیال» برگزار می‌شود و قصد دارد برای مخاطبانش دریچه‌ای به سوی امید باشد.

استقبال کودکان و نوجوانان از همین آغاز و در روز افتتاحیه باعث شد این جشنواره باز هم خود را به رخ کسانی بکشد که آن را «بیهوده» یا «بودجه بر باد ده» می‌خوانند. به هر روی، همگی آگاهییم که جشنواره کودک نه تنها بیهوده نیست، بلکه جریان‌ساز نیز هست؛ جریان و فرصتی برای کودکان و



تماشا

مراسم افتتاحیه
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان



دوربین نوجوان

مراسم افتتاحیه
سی و چهارمین جشنواره
بین المللی فیلم های
کودکان و نوجوانان



عکاس نوجوان محمدحسین میرفندرسکی



عکاس نوجوان نسیم موسوی



عکاس نوجوان نسیم موسوی



عکاس نوجوان نسیم موسوی



عکاس نوجوان محمدحسین میرفندرسکی

بچه‌های نسل جدید باید با سینما آشنا شوند

گفت‌وگو با مونا فرجاد



آریانا معتمدیان

را گسترش دهند. البته اصفهان همیشه یکی از شهرهای با فرهنگ کشور بوده است. برای مثال، خود من تأثیرهایی در تهران اجرا کرده‌ام که در اصفهان هم اجرا شده است.

● اگر ممکن است راجع به مجموعه زنان که در اینستاگرام کار کرده‌اید بفرمایید.

علت اصلی آن همه‌گیری کرونا بود که من هم فکر می‌کردم زود از بین برود، ولی طولانی شد و به علت خطرات آن، کار تأثیر در خیلی از سالن‌ها تعطیل شد. من هم از اینستاگرام به عنوان یک رسانه استفاده کردم و این ایده را اجرا و عملی کردم. اینکه مورد توجه همه قرار گرفت برای خودم دلگرم‌کننده بود و هر هفته منتظرم که نظرات بینندگان و مخاطبانم را در پلتفرم‌ها و شبکه‌های اجتماعی ببینم.

● اکران فیلم و برگزاری جشنواره در شرایط کرونا چه تأثیر مثبتی بر جامعه خواهد داشت؟

سینما، تئاتر و همه مشاغل دیگر نیاز به ادامه حیات دارد و کسانی که در این زمینه کار می‌کنند نیز نیاز به تأمین معاش دارند و برگزاری این جشنواره‌ها و اکران‌ها به این امر کمک می‌کند.

● شما علت این ضعف را چه می‌دانید؟

قطعاً نبود یک فیلم‌نامه یا قصه خوب یکی از علل این مسئله است. چه در بخش خصوصی و چه دولتی، فیلم‌سازان درجه‌یکی داریم که با جان و دل کار خواهند کرد، مثل فیلم «شهر موش‌ها» ساخته خانم مرضیه برومند. در واقع اگر امکان داشته باشند که با بودجه خوب فیلم بسازند، حتماً فیلم می‌سازند.

● به نظر شما جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان که به عنوان یک جشنواره حرفه‌ای در اصفهان در این زمینه فعالیت می‌کند، برای بهبود این مسئله چه کمکی می‌تواند انجام دهد؟

این جشنواره بسیار خوب است، چون کمک می‌کند این محصول فرهنگی در شهرهای دیگر هم رونق پیدا کند و مسئولین مجبور شوند سالن‌های بیشتری بسازند و در شهرهای دیگر مانند تهران هم حمایت کنند و فرهنگ

● دلیل حضور شما در جشنواره چیست؟ به نظر شما سینمای کودک و نوجوان چه تأثیری بر جامعه دارد و متأثر از چه عواملی است؟

فیلم «پسران دریا» به کارگردانی افشین هاشمی و حسین قاسمی جامی، در دو اپیزود جنوب و شمال ساخته شده و من در اپیزود دوم نقش یک زن جنوبی را بازی می‌کنم. قهرمانان قصه در هر دو اپیزود دو پسر بچه نوجوان‌اند که هر دو یک روایت عاشقانه پاک را بیان می‌کنند. در خصوص جشنواره کودکان و نوجوانان نیز باید بگویم به نظرم اقبال جشنواره به هرچه باشکوه‌تر شدن آن بستگی دارد.

با توجه به تعدد زیاد فیلم‌های اجتماعی و بزرگسالان، نهادهای دولتی حتماً باید از سینمای کودک و نوجوان حمایت کنند تا این سینما پابرجا بماند؛ چون بچه‌ها در جامعه بسیار مهم‌اند. اگر قرار است در جامعه فرهنگ‌سازی شود یا هر اتفاق مثبت دیگری بیفتد، لازم است ما بچه‌های نسل جدید را با هنرهایی مثل تئاتر، سینما و موسیقی آشنا کنیم و سعی کنیم آنان را با این مقولات پرورش بدهیم. فکر می‌کنم با توجه به هزینه‌های گزاف فیلم‌سازی و نداشتن بازده مالی کافی، تنها حمایت دولتی باعث می‌شود که این سینما پابرجا بماند.

● طبق گفته بسیاری از منتقدان، فیلم‌های امروز ما مانند فیلم‌های دهه شصت نیست و اصطلاحاً بیشتر راجع به کودک است، نه برای کودک و نوجوان. بنابراین به شکلی که در آن دهه‌ها مخاطب داشت مخاطب ندارد. علت این امر را چه می‌دانید؟

من این گفته را قبول دارم، چون خود من هم از همان دهه هستم. واقعاً آن فیلم‌ها هنوز هم در ذهن بسیاری از ما باقی مانده‌اند. شاید قسمتی از این مسئله مربوط به هزینه ساخت این فیلم‌هاست. فکر می‌کنم در حال حاضر برای ساخت یک فیلم، حداقل حدود پنج میلیارد تومان سرمایه لازم است؛ بنابراین این فیلم باید حداقل حدود بیست میلیارد تومان در گیشه بفروشد تا بتواند سودی داشته باشد. بنابراین فیلم‌ساز، فیلمی را برای ساخت انتخاب می‌کند که به اکران و بازگشت سرمایه‌اش اطمینان بیشتری داشته باشد.

چندی پیش فیلمی از غلامرضا رضانی در ژانر کودک و نوجوان دیدم که فیلم بسیار خوبی بود؛ ولی متأسفانه هیچ حمایتی از این فیلم در اکران نشد. در واقع فیلم‌های حوزه کودک و نوجوان در عرصه رقابت با فیلم‌های بزرگسالان، مغفول می‌مانند و کنار می‌روند. بنابراین تهیه‌کنندگان کمتر تمایل پیدا می‌کنند به سمت سرمایه‌گذاری در این ژانر بروند.



گرافیک..... مؤسسه فرهنگی هنری نگارآفرین فردای شرق آریا
طراحی و صفحه‌آرایی..... مریم ولی‌پور، افروز کاظمی، زکریا حسینی
تصویرگر..... داوود الماسیان
سرپرست خبرنگاران نوجوان..... میلاد مُرتجی

www.icff.ir

مدیرمسئول..... حسن قانونی
سر دبیر..... سید مرتضی رضوانی
دبیر..... امیررجایی باغسرخ
تحریریه..... مینا حسن‌زاده، آریانا معتمدیان
ویراستار..... انسیه عرفان، مینا حسن‌زاده

با تشکر از: ایمان حجتی، مدیر اجرایی سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان

به سفارش:

کمیته ارتباطات سی و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان

#نوستانری



تصاویری از فیلم‌های
«پاتال و آرزوهای
کوچک» و «گلنار» به
تهیه‌کنندگی
مرحوم فرشته طائرپور